

سوباسا، اسطوره فوتبال اسپانیا و جهان



بزرگ شد، یک فوتبالیست حرفه‌ای شود، راه او، به سائوپائولو در برزیل و بعداً پارسا لونا در اسپانیا کشیده می‌شود و بی دلیل هم نیست که این سریال، در هر کشور به شدت محبوب است. این سریال با وجود اینکه اینستا و دایوید و یاهستند و مادریدی‌ها، ایگر کامیاسی و فرناندو تورس را روی سرشان می‌گذارند. با این حال یک فوتبالیست هست که همه در اسپانیا عاشقش هستند و او را الگو خود می‌دانند؛ هر چند اسپانیایی نیست، و اصلاً واقعی هم نیست. این فوتبالیست که الگو چند نسل از فوتبالیست‌هاست، سوساسا پسر ۱۱ ساله‌ای است که قهرمان چند نسل از کودکان در سراسر دنیا و به خصوص اسپانیا بوده است. سوساسا که در بخش‌های مختلف دنیا با نام‌های مختلفی از جمله سوپر کمپتون، اولیور پنچی و کاپیتان ماجد شناخته می‌شود، شخصیتی کار تونی در سریالی است که در سال ۱۹۸۱ توسط پوچی تاکاهاشی انیماتور ژاپنی تولید شد. سوساسا در ایران با نام فوتبالیست‌ها بخش می‌شد و یکی از محبوب‌ترین سریال‌های کودکان و حتی بزرگسالان بود. این سریال با موفقیت بسیاری را به نام سوساسا اوزارا روایت می‌کند که می‌خواهد وقتی

بزرگ شد، یک فوتبالیست حرفه‌ای شود، راه او، به سائوپائولو در برزیل و بعداً پارسا لونا در اسپانیا کشیده می‌شود و بی دلیل هم نیست که این سریال، در هر کشور به شدت محبوب است. این سریال با وجود اینکه اینستا و دایوید و یاهستند و مادریدی‌ها، ایگر کامیاسی و فرناندو تورس را روی سرشان می‌گذارند. با این حال یک فوتبالیست هست که همه در اسپانیا عاشقش هستند و او را الگو خود می‌دانند؛ هر چند اسپانیایی نیست، و اصلاً واقعی هم نیست. این فوتبالیست که الگو چند نسل از فوتبالیست‌هاست، سوساسا پسر ۱۱ ساله‌ای است که قهرمان چند نسل از کودکان در سراسر دنیا و به خصوص اسپانیا بوده است. سوساسا که در بخش‌های مختلف دنیا با نام‌های مختلفی از جمله سوپر کمپتون، اولیور پنچی و کاپیتان ماجد شناخته می‌شود، شخصیتی کار تونی در سریالی است که در سال ۱۹۸۱ توسط پوچی تاکاهاشی انیماتور ژاپنی تولید شد. سوساسا در ایران با نام فوتبالیست‌ها بخش می‌شد و یکی از محبوب‌ترین سریال‌های کودکان و حتی بزرگسالان بود. این سریال با موفقیت بسیاری را به نام سوساسا اوزارا روایت می‌کند که می‌خواهد وقتی

بزرگ شد، یک فوتبالیست حرفه‌ای شود، راه او، به سائوپائولو در برزیل و بعداً پارسا لونا در اسپانیا کشیده می‌شود و بی دلیل هم نیست که این سریال، در هر کشور به شدت محبوب است. این سریال با وجود اینکه اینستا و دایوید و یاهستند و مادریدی‌ها، ایگر کامیاسی و فرناندو تورس را روی سرشان می‌گذارند. با این حال یک فوتبالیست هست که همه در اسپانیا عاشقش هستند و او را الگو خود می‌دانند؛ هر چند اسپانیایی نیست، و اصلاً واقعی هم نیست. این فوتبالیست که الگو چند نسل از فوتبالیست‌هاست، سوساسا پسر ۱۱ ساله‌ای است که قهرمان چند نسل از کودکان در سراسر دنیا و به خصوص اسپانیا بوده است. سوساسا که در بخش‌های مختلف دنیا با نام‌های مختلفی از جمله سوپر کمپتون، اولیور پنچی و کاپیتان ماجد شناخته می‌شود، شخصیتی کار تونی در سریالی است که در سال ۱۹۸۱ توسط پوچی تاکاهاشی انیماتور ژاپنی تولید شد. سوساسا در ایران با نام فوتبالیست‌ها بخش می‌شد و یکی از محبوب‌ترین سریال‌های کودکان و حتی بزرگسالان بود. این سریال با موفقیت بسیاری را به نام سوساسا اوزارا روایت می‌کند که می‌خواهد وقتی

فرهنگ و زندگی



مهر ماه که می‌شود، همه‌مان عزا می‌گیریم که چطور باید از کلاف هزار توی گرفت و گیر خیابان‌های شهر خلاص شویم. قصه تکراری ترافیک مهر در کلانشهر تهران و باقی شهرهای شلوغ کشور هیچ وقت یابانی ندارد. البته که تهران، با همه بزرگراه‌ها و خیابان‌ها و معابرش، چه مهر ماه باشد چه ماه‌های دیگر سال، دارد تبدیل به یک پارکینگ بزرگ می‌شود و ترافیکش، ساعت‌های زیادی از وقتمان را می‌گیرد، اما اوایل پاییز همه چیز انگار بدتر می‌شود و خب دلش هم باز گشایی مدارس و دانشگاه‌هاست. هر سال چند روزی مانده به شروع مدارس، مسئولان تلاش می‌کنند با راهکارهایی مثل تغییر ساعت طرح ترافیک، کمی از بار ترافیکی خیابان‌ها کم کنند، اما معمولاً این راهکارها هم افاقه نمی‌کند و مردم همچنان ساعاتی طولانی‌تر را در ترافیک می‌گذرانند. رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور تهران بزرگ هم با گلایه از ترافیک صبحگاهی و حجم بالای تردد‌ها در معابر شهر تهران گفته: اگر حمل‌ونقل خطوط اتوبوس و افزایش جاده‌ها، مسلمانا از حجم بالای ترافیک کاسته می‌شود و شهروندان می‌توانند در صورت دسترسی به حمل‌ونقل عمومی از آن کمک کنند.

مرد صورت سنگی



باریک اندام بود و نحیف، کلاه حصیری‌اش را معمولاً کج روی سر می‌گذاشت و چهره بی‌حالتش از روی بدنی سوار شده بود که نه ترس از ارتفاع داشت و نه ترس از سقوط. باستر کیتون -تابغه مطلق سینمای صامت- بیشتر از هر چیز فداکار بود. برای خنده گرفتن از تماشاچی‌ها می‌کرد که از هیچ دلقک بی‌کله‌ای تا به حال ندیده‌اید. حرکات مرگبارش به صورت تخت‌اش ایمن‌الطمینان راه می‌دهد که قهرمانان هیچ چیز از بلاهایی که بر سرش آمده نمی‌داند. کیتون از ایشارهای عریض و بلند آویزان می‌شد، روی سقف قطارها می‌دوید و پشت سرشان روی ریل، قبل از شلیک گلوله سرش را توی توپ فورو می‌کرد و خانه‌ای سنگی را روی سر خودش خراب می‌کرد؛ کارهایی که هیچ‌کس دیگر به یک قدیمی آنها نزدیک نشده است. باستر از بچگی همیتور بود. پدر و مادرش در سیرک کار می‌کردند و باستر کوچک از لس‌آنجلس ستاره نمایش شان بود و آن بدن خمیری و متنازع‌اتوبوس ماندن و بعد هم شلوغی داخل اتوبوس‌ها و مترو ترجیح می‌دهند دور حمل‌ونقل عمومی به خط بکشند و بعضی هم کاری به این ندارند که تعداد اتوبوس‌ها زیاد است یا نه، هر جایی که بخواهند بروند، از خود روی شخصی استفاده می‌کنند و با اینکه از ترافیک می‌نالند، اما حاضر نیستند تردد بسا اتوبوس یا مترو را حتی امتحان کنند. با افزایش تعداد اتوبوس‌های شهری و واگن‌های مترو-که مدیریت شهری فولش را داده- قطعا مشکل گروه اول حل می‌شود و برای ترغیب گروه دوم به استفاده از حمل‌ونقل عمومی هم تنها می‌شود در این زمینه فرهنگ‌سازی کرد. با افزایش خطوط اتوبوس و ایستگاه‌های مترو، توجیه‌شان کرد که خودرویشان را از پارکینگ در نیارند - مگر در موارد ضروری - و برای کاهش ترافیک شهر کمک کنند.

تقریب: اسالروز

مرد صورت سنگی

باریک اندام بود و نحیف، کلاه حصیری‌اش را معمولاً کج روی سر می‌گذاشت و چهره بی‌حالتش از روی بدنی سوار شده بود که نه ترس از ارتفاع داشت و نه ترس از سقوط. باستر کیتون -تابغه مطلق سینمای صامت- بیشتر از هر چیز فداکار بود. برای خنده گرفتن از تماشاچی‌ها می‌کرد که از هیچ دلقک بی‌کله‌ای تا به حال ندیده‌اید. حرکات مرگبارش به صورت تخت‌اش ایمن‌الطمینان راه می‌دهد که قهرمانان هیچ چیز از بلاهایی که بر سرش آمده نمی‌داند. کیتون از ایشارهای عریض و بلند آویزان می‌شد، روی سقف قطارها می‌دوید و پشت سرشان روی ریل، قبل از شلیک گلوله سرش را توی توپ فورو می‌کرد و خانه‌ای سنگی را روی سر خودش خراب می‌کرد؛ کارهایی که هیچ‌کس دیگر به یک قدیمی آنها نزدیک نشده است. باستر از بچگی همیتور بود. پدر و مادرش در سیرک کار می‌کردند و باستر کوچک از لس‌آنجلس ستاره نمایش شان بود و آن بدن خمیری و متنازع‌اتوبوس ماندن و بعد هم شلوغی داخل اتوبوس‌ها و مترو ترجیح می‌دهند دور حمل‌ونقل عمومی به خط بکشند و بعضی هم کاری به این ندارند که تعداد اتوبوس‌ها زیاد است یا نه، هر جایی که بخواهند بروند، از خود روی شخصی استفاده می‌کنند و با اینکه از ترافیک می‌نالند، اما حاضر نیستند تردد بسا اتوبوس یا مترو را حتی امتحان کنند. با افزایش تعداد اتوبوس‌های شهری و واگن‌های مترو-که مدیریت شهری فولش را داده- قطعا مشکل گروه اول حل می‌شود و برای ترغیب گروه دوم به استفاده از حمل‌ونقل عمومی هم تنها می‌شود در این زمینه فرهنگ‌سازی کرد. با افزایش خطوط اتوبوس و ایستگاه‌های مترو، توجیه‌شان کرد که خودرویشان را از پارکینگ در نیارند - مگر در موارد ضروری - و برای کاهش ترافیک شهر کمک کنند.

دعوا بر سر فانوس دریایی



بسیاری از مردم، دوست دارند در جاهای متفاوتی زندگی کنند و ملک‌های عجیبی داشته باشند، و چنان بر سر این تمایل خود پافشاری می‌کنند که حتی ممکن است پول هنگفتی هم برای این کار بپردازند. به خصوص وقتی که سر لبح هم ببینند، درست مثل حراج یک فانوس دریایی در مریلند آمریکا که توسط دولت عرضه شد و چند خریدار، برای تصاحب آن قیمتی را چندین برابر کردند. دولت آمریکا، این فانوس دریایی را به قیمت پایین ۱۵ هزار دلار به حراج گذاشته بود و فکرش را هم نمی‌کرد که قیمت آن، به خاطر کل کل خریداران، تا ۹۲ هزار دلار بالا برود. و تازه این هزینه اولیه این فانوس دریایی است؛ دولت آمریکا به این شرط این فانوس دریایی را فروخته است که مالک جدید آن، هزینه نگهداری آن را متقبل شود و این فانوس، مثل گذشته به‌عنوان بخشی از سیستم ناوبری گارد ساحلی به کار گرفته شود. این برج زنگ زده به گفته ساکنان محلی در آستانه فروپاشی است، و سازه آن چنان لرزان است که محلی‌ها جرات نمی‌کنند وارد آن شوند. این برج آب و برق ندارد. با این حال عشق داشتن فانوس دریایی، باعث شد تا این ساختمان با قیمت بالایی فروخته شود.

تئاتر، در خیابان‌های تاییه هم جان می‌گیرد



مهدی خسرو شاهی
روزنامه‌نگار

تایوان، پس از یک دهه، بزرگ‌ترین مرکز هنرهای نمایشی خود به نام «مرکز هنرهای نمایشی تاییه» را بازگشایی کرد. این مجموعه فرهنگی-هنری در پایتخت تایوان بازگشایی شده و برای ساخت آن، بودجه ساخت آن ۶۷۰ میلیون دلار جدید تایوان برابر با ۲۲۳ میلیون دلار هزینه شده است. به این ترتیب انتظار می‌رود مردم تایوان بتوانند ده‌ها اثر هنری را در پاییز امسال روی صحنه تئاتر و سینمای این مجموعه ببینند. شنیده‌ها حاکی از آن است که این سالن‌ها، تحولی عظیم در نحوه اجرای تئاتر خواهد بود. مرکز هنرهای نمایشی تاییه با TPAC که طراحی آن به‌عهد شرکت معماری OMA بوده است، پس از ۹ سال در مساحتی به وسعت ۵۹ هزار مترمربع افتتاح شده است. این مرکز، دارای چند بخش است که ۳ سالن آن به یک مکتب شیشه‌ای مرکزی متصل است. این بخش عبارتند از: خانه نمایش گلوب کروی با ظرفیت ۸۰۰ صندلی، سالن تئاتر بزرگ با ظرفیت ۱۵۰۰ صندلی و یک سالن تئاتر چند منظوره با ظرفیت ۸۰۰ صندلی است. سالن سوم، بیشتر برای اجرای تئاترهای تجربی است و آن را سه مجسمه ای نامگذاری کرده‌اند. این مجسمه ای می‌تواند با تغییر کاربری، به سالنی با ظرفیت ۲۳۰۰ صندلی برای اجرای بزرگ تبدیل شود. سنسای مدرن و ایجاد فضاهای خاص و زیبا و البته کاربردی برای نمایش آثار هنری طراحی و ساخته شده است. مدیر شرکت OMA و طراح مرکز هنرهای نمایش تاییه می‌گوید: «بسیارستین باری که برای گفتگو درباره اجرای چنین طرحی به تاییه سفر کردم، آن را شهری با ظرفیت تغییر و تجربه یافتیم» و ادامه می‌دهد: «طراحی و اجرای این پروژه، پاسخی به همین ویژگی این شهر بود. برای اجرای این طرح، ساختمان ۳ سالن تئاتر قدیمی را کنار هم قرار دادیم تا ظرفیت‌های جدیدی به‌دست آید».

شرکت OMA در سال ۲۰۰۹ میلادی برنده مسابقه‌ای شد که شرکت تایوانی Kris Yao Artech برگزار کرده بود. زمان نهایی ارائه آن، سال ۲۰۱۲ میلادی در نظر گرفته شده بود. اما ساخت وساز تا سال ۲۰۱۲ آغاز نشد و ساختمان در ماه اوت سال ۲۰۱۴ به پایان رسید. پس از آن نیاز بود تا طراحی‌های نهایی به اجرا درآیند. این پروژه به‌اجرایی ارکستر سمفونیک تاییه افتتاح شد. قرار است فصلی شامل ۱۳۷ اجرای تئاتر، از دیگر برنامه‌های افتتاح این پروژه باشد.

یکی دیگر از عناصر کلیدی ساختمان، حلقه عمومی است؛ مسیری که در اطراف سالن‌های تئاتر و پشت صحنه واقع شده است. علاوه بر این، ۳ چادر سیرک به‌صورت دائمی برای اجرای تئاتر Beziers ایجاد شده است. این چادرها در گذرگاه عمومی قرار داده شده و افراد با در دست داشتن بلیت اجرا یا بدون آن می‌توانند از نمایش‌های اجرا شده در این چادرها دیدن کنند. علاوه بر این یک میدان محوطه‌سازی شده زیر ساختمان مجموعه قرار دارد. کاربری این میدان، فضای عمومی - شیشه به صحنه تئاتر - برای اجرا یا تجمع‌های عمومی برای برگزاری جشن یا نمایش است. به‌گفته سازندگان این ساختمان هنری، تلاش شده تا فرهنگ تئاتر، اعم از تئاتر خیابانی و هر نوع نمایش هنری، هویت یافته و حتی در فضای عمومی این مجموعه فرهنگی با امکانات مناسب به اجرا درآید. علاوه بر اینکه عقیده دارند مجموع هنر و فرهنگ می‌تواند انرژی و نشاط را به شهر تاییه، شهری که آماده و تشنه تغییر است، تزریق کند.



دغدغه

مسئول بودن به‌عنوان نیست

مریم ساحلی

ما نشستیم بودیم و سرمان به کار خودمان بود که داد و هوای یکی بلند شد و خط انداخت به سکوت اواخر تابستان کوچک بعضی‌ها مان بودیم سمت پنجره و سر ک کشیدیم و بعضی هم راهی شدند تا ببینند چه شده است. همگی آما زد فهمیدیم که گل همسایه را در دیده‌اند. من او را همین اندازه می‌شناسم که با گل‌های باغچه‌اش حرف می‌زند و ناز‌نشان را می‌کشد. می‌دانم پای دیوار خانه‌اش شیار آسفالت را عمیق کرده و گل کاشته است. می‌دانم که مهربان است و دلش می‌خواهد همه‌جا سبز باشد. آن روز ما یکی از راه رسیده و گلش را برده بود. حرف می‌زد و می‌نالید که صبح آیش دادم؛ ظهر هم سر زد، همین جا بود. حالا اما نیست. نگاهش به خاک بود و چشمش تر اما صدایش به دادخواهی و تفرین بلند بود. یکی همان وقت آهسته کنار گوشم نجوا کرد: حالا یک گل که ارزشش این همه داد و فریاد ندارد. آن که این حرف را زد نمی‌دانست زن هر روز وقتی آفتاب داغ می‌کند تا تن نازنین گلش از نیر‌های آفتاب درامان باشد. نمی‌دانست زن وقتی خانه نبود دلش سگور گل را می‌زد و در مسیر برگشت ندانند قدم برمی‌داشت تا گلوی گلش از تشنگی نسوزد. همان تنم بایستی موسید همسایه «شازده کوچولو» را خوانده باشم اما آن روز که خشم و اندوهش را دیدم با خود گفتم: شاید «آنتوان دوستم آگروپری» روزی یکی مثل او را دیده که نوشته است: «دم‌ها این حقیقت را فراموش کرده‌اند اما تو نباید فراموش کنی. تو هرچه راه‌ای کنی همیشه مسئول آن خواهی بود. تو مسئول گلت هستی...».

آن روز همه فکر این بود که بانوی همسایه بی آن که ادعایی داشته باشد، بی آن که تیترو عنوان و دم و دستگاہی داشته باشد، مسئول است، یک مسئول واقعی. او به گل‌های حیاط خانه و کوچی به یک چشم نگاه می‌کند. او دل نگران و مراعی همه آنهایی است که مسئولیت‌شان را پذیرفته است.